

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان بهرام‌میسری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوبن • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

روزنامه شتر

سه‌شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۴ • ۲۱ شعبان ۱۴۴۷ • ۱۰ فوریه ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۳۲۵ • صفحه ۶۰۸
اذان ظهرتهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۰۰ • اذان صبح فردا ۴:۳۱ • طلوع آفتاب ۶:۵۶

www.sharghdaily.com

aparāt:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

گزارش‌خوانی

وقتی سوگ جمعی می‌شود

کیسو ففغوری؛ در دوره‌هایی از تاریخ اجتماعی،

اندوه فقط تجربه‌ای فردی نیست؛ بخش

زیادی از افراد جامعه هم‌زمان در حال سوگواری هستند. در چنین بزنگاه‌هایی، سوگ به احساسی

فراگیر بدل می‌شود که در لایه‌های مختلف زندگی اجتماعی جریان می‌یابد و خود را در گفتار عمومی، روابط روزمره و حتی تصمیم‌های جمعی نشان می‌دهد. این اندوه مشترک، اگرچه می‌تواند

همستگی و همدلی اجتماعی را تقویت کند، اما در صورت نادیده‌گرفتن، به فرسودگی روانی و بی‌اعتدای مزمن در سطح جامعه می‌انجامد. سوگ جمعی، افراد ممکن است بپرسند: «چرا این اتفاق افتاد؟ آیا بساز هم تکرار می‌شود؟ آینده چه می‌شود؟». این پرسش‌ها، تجربه سوگ را از سطح

احساس غم فراتر برده و آن را به بحرانی معنایی تبدیل می‌کند. پژوهش‌های روان‌شناسی نشان می‌دهند سوگ جمعی می‌تواند با ترکیبی از واکنش‌های هیجانی، شناختی و جسمانی همراه باشد؛ ازجمله غم و اندوه پایدار بدون علت شخصی مشخص، خشم، احساس بی‌عدالتی یا سرزنش مداوم، اضطراب، ناامنی و پیش‌بینی فاجعه، بی‌حسی هیجانی یا کرختی عاطفی، اختلال تمرکز، خستگی ذهنی و افت کارکرد روزمره و فرسودگی



ناشی از مواجهه مکرر با اخبار ناگوار.

«نازنین آهنگری»، دکتری روان‌شناسی بالینی، به ایرنا درباره سوگ می‌گوید: «فرد سوگوار را نباید از سوگواری منع کرد؛ یعنی نباید او را از صحبت درباره اتفاق دردناک منع کرد و نخواهیم نابهنگام به سمت زندگی عادی و فعالیت‌ها و روابط معمولی گذشته بازگرد. سیستم روانی انسان برای اینکه بتواند با فقدان‌ها و فوایج کنار بیاید، به زمان نیاز دارد.»

راهکارهای عملی برای عبور سالم‌تر از سوگ جمعی

• احساسات را به رسمیت بشناس؛ گفتن این جمله به خودت مهم است؛ احساسم قابل فهم است، حتی اگر فقدان شخصی نداشته باشم. انکار یا کوچک‌نمایی هیجان‌ها، آنها را فرساینده‌تر می‌کند.

• بدن را وارد فرایند ترمیم کن؛ پیاده‌روی، تمرین‌های تنفسی، حرکات کششی یا هر فعالیت بدنی ملایم به تنظیم هیجانی کمک می‌کند؛ زیرا سوگ فقط ذهنی نیست، در بدن هم ذخیره می‌شود. • ارتباط انسانی را حفظ کن؛ صحبت با دیگران، حتی درباره احساسات مشترک، اثر محافظتی دارد. سوگ جمعی در انزوا تشدید و در ارتباط تعدیل می‌شود.

• معناهای کوچک اما واقعی بساز؛ در شرایطی که معناهای بزرگ فرو می‌ریزند، تمرکز بر کنش‌های کوچک قابل کنترل (کمک، مراقبت، یادگیری، خلق) می‌تواند حس عملیات را بازگرداند.

سوگ جمعی

سوگ جمعی، واکنشی انسانی به رنج‌های مشترک است. فهم این پدیده کمک می‌کند به‌جای سرزنش خود یا دیگران، با آگاهی و همدلی بیشتری از این دوره عبور کنیم. ترمیم روانی، فرایندی فردی-جمعی است و هیچ‌کس قرار نیست این مسیر را به‌تنهایی طی کند. آهنگری در این رابطه گفت: «فرد داغ‌دیده نیازمند حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم توسط اطرافیان و حتی مراقبت‌هایی برای برآورده‌شدن نیازهای اولیه است و درواقع نباید این فرد رها شود.» بسیاری از افراد جامعه به واسطه اتفاقات اخیر در دی‌ماه ۱۴۰۴ اذغادر عزیزان خود هستند و این داغ تبدیل به سوگ جمعی شده است. در این وضعیت، برخی افراد و رسانه‌ها با دسته‌بندی‌کردن جامعه و اهانت به عزیزان اذدست‌رفته، بر این زخم نمک می‌پاشند و داغ را تشدید می‌کنند.

برونده جغرفی اپستین، روایت سقوط یک میلیاردر منحرف، فراتر از یک

جنایت شخصی است. این پرونده نماد نبرد میان فساد پنهان و شفافیت عمومی است. شبکه‌ای که سال‌ها زیر سایه ثروت، نفوذ و روابط سیاسی دوام آورد، سرانجام در برابر قدرت رسانه‌های آزاد، روزنامه‌نگاری تحقیقی و فشار افکار عمومی فروریخت. اپستین ثابت کرد جنایت و فساد نه با قدرت، بلکه با سکوت زنده می‌ماند و دقیقاً رسانه مستقل همان نیرویی است که این سکوت را می‌شکند. در جامعه‌ای که جریان آزاد اطلاعات برقرار

باشد، حتی تارک‌ترین و پیچیده‌ترین شبکه‌های فساد نیز دیر یا زود به سطح پاسخ‌گویی کشیده می‌شوند. اپستین در سال ۱۳۳۱ در یک خانواده یهودی در نیویورک به دنیا آمد و شش سال پیش، در سال ۱۳۹۸، در ۶۶سالگی در زندان متروپولیتن، زادگاهش، ظاهراً خود را حلق‌آویز کرد و درگذشت. زندگی و مرگ او، رشدش در نظام سرمایه‌داری، سبک زندگی شاهانه و ارتباطاتش با نخبگان سیاست، اقتصاد و علم و فناوری، همواره یک راز بزرگ و جریان رازآلود باقی مانده است. او دو بار تلاش می‌کند در دانشگاه نیویورک رشته‌های ریاضیات و فیزیک را بخواند، اما هر دو بار اخراج می‌شود. مدتی در مدرسه‌ای به نام دالتون تدریس می‌کند؛ درحالی‌که تدریس در این مدرسه

نیازمند مدرک دانشگاهی است، او بدون مدرک مشغول به کار می‌شود و سرانجام اخراجش می‌کند. بااین‌حال، همین اخراج نقطه عطف زندگی‌اش می‌شود؛ وارد بزرگ‌ترین مؤسسات مالی می‌شود، به‌سرعت پیشرفت می‌کند و در نهایت یک شرکت بزرگ مدیریت سرمایه تأسیس می‌کند که فقط به افرادی با سرمایه‌ای بیش از یک میلیارد دلار مشاوره می‌دهد. او ظاهر فردی بسیار باهوش، خوش‌مشرب و دارای روابطعمومی قوی بود، اما ارتباطاتش را به‌شدت مدیریت و کنترل می‌کرد. در کنار زندگی حرفه‌ای‌اش در حوزه مالی، بانکی و مدیریت سرمایه، به‌تدریج یک جریان‌سوازی نیز راه‌اندازی می‌کند. اپستین چندین خانه و دفتر لوکس در نقاط مختلف آمریکا، ازجمله نیویورک و کالیفرنیا، داشت که معمولاً دوستان خاص و نزدیکش در سفرهایشان در این اقامتگاه‌ها ساکن می‌شدند. علاوه بر این، جزیره کوچکی به نام سنت‌جیمز را خریداری می‌کند و در آن مجموعه‌ای از ساختمان‌ها و تأسیسات رفاهی مختلف می‌سازد. دوستان خاص او با جت اختصاصی متعلق به خودش به این جزیره و دیگر مناطق سفر می‌کردند و در سبکی



مراسم الحاق ناوگان پهبادی جمعیت هلال‌احمر صبح دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۴ با حضور پیرحسین کولیوند، رئیس جمعیت هلال‌احمر و سردار رضا طلائی‌نیک، سخنگوی وزارت دفاع در سازمان جمعیت هلال‌احمر برگزار شد. عکس: مرضیه سلیمانی، ایرنا

رسوایی اپستین؛ قدرت‌نمایی رسانه‌های آزاد و مستقل



قادر باستانی‌تبریزی

از زندگی سهیم بودند که در ظاهر برزرق‌وبرق و فریبنده بود اما در باطن، زندگی ای کثیف، متعفن، جنایتکارانه، ترسناک و وحشیانه به شمار می‌آمد. اپستین با همکاری کیلین مک‌سول، دختر رابرت مک‌سول، متهم شد که دختران نوجوان را با وعده کار، آینده‌ای بهتر یا فریب‌های دیگر جذب کرده و آنها را در معرض بهره‌کنشی جنسی قرار داده است. در اینجا دیگر فقط با یک فرد مواجه نیستیم، بلکه با شکل‌گیری شبکه‌ای رویه‌رو هستیم که قدرت، پول و سکوت را به هم گره می‌زند. اما چگونه ممکن است فردی سال‌ها در سایه نهادهای قدرت و ثروت چنین زندگی‌ای داشته باشد و در نهایت افشا شود؟ پاسخ را باید در سه عنصر جست‌وجو کرد:

اول، رسانه‌های آزاد و روزنامه‌نگاری تحقیقی؛ اگر خبرنگاران مستقل روایت قربانیان را پیگیری نمی‌کردند و اگر رسانه‌ها امکان پرسشگری نداشتند، این پرونده بارها و در همان مراحل اولیه دفن می‌شد.

دوم، جامعه مدنی و افکار عمومی؛ جنبش‌های اجتماعی، فشار افکار عمومی و مطالبه عدالت، دستگاه قضائی را وادار می‌کند پرونده‌هایی را که برای صاحبان قدرت هزینه‌زاست، کنار نکند.

سوم، حاکمیت قانون و الزام به شفافیت؛ انتشار تدریجی اسناد، آرای دادگاه‌ها و فشار نهادهای رسمی نشان می‌دهد در نظام‌هایی که شفافیت نهادی وجود دارد، حتی پیچیده‌ترین شبکه‌ها نیز نمی‌توانند برای همیشه مصون بمانند.

پرونده اپستین از این منظر برای ما یک درس مهم رسانه‌ای است که جنایت فقط در تاریکی رشد می‌کند و نور اطلاعات، دشمن طبیعی آن است. اپستین صرفاً یک مجرم نبود؛ او نماد پیوند خطرناک میان ثروت، نفوذ و فساد پنهان است. شبکه‌هایی از این جنس معمولاً دو ابزار اصلی دارند: پول برای

زمین‌خوانی

زلزله‌هایی که جهان را تکان داد



مهدی زارع

۵ فوریه ۱۶۶۳ بزرگ‌ترین زلزله شناخته‌شده در تاریخ شرق آمریکا شمالی، زلزله شارلوا در کبک کانادا که آن زمان «فرانسه جدید» نامیده می‌شد، با بزرگای ۷.۲ تا ۷.۹ رخ داد.

البته مهم‌ترین زلزله پیش‌بینی‌شده تاریخ هم در همین نیمه بهمن‌ماه رخ داده؛ ۴ فوریه ۱۹۷۵ در هایچنگ چین که با پیش‌بینی و تخلیه موفقیت‌آمیز، یکی از مشهورترین و بحث‌برانگیزترین موارد در تاریخ زلزله‌شناسی است. زلزله با بزرگای ۷.۴ شهرستان هایچنگ، استان لیانپونینگ، در شمال شرقی چین ساعت ۱۹:۳۶ به وقت محلی لرزاند. این زلزله نه به خاطر اندازه‌اش، بلکه به این دلیل مشهور است که نشان‌دهنده اولین و موفق‌ترین پیش‌بینی و تخلیه بزرگ زلزله در تاریخ است. ماه‌ها قبل از زلزله، این منطقه مجموعه‌ای قابل توجه از پیش‌نشانه‌ها را تجربه کرد. همچنین گزارش‌ها از رصد بلند و کج‌شدن غیرمعمول زمین و تغییرات در سطح آب‌های زیرزمینی و افزایش چشمگیر پیش‌لرزه‌ها می‌رسید. در ۲۴ ساعت قبل از زلزله اصلی، صدا لرزش کوچک احساس شد، از جمله پیش‌لرزه با بزرگای ۴.۸ درست چند ساعت قبل از آن، آخرین نشانه‌ها بود. گزارش‌هایی از رفتار عجیب حیوانات نیز وجود داشت؛ ماهیایی که از خواب زمستانی بیرون می‌آیند، موش‌هایی

خریدن سکوت و قدرت برای ترساندن افشاگران، در چنین ساختاری، قربانیان تنها می‌مانند، شاهدان عقب می‌کشند و حقیقت در بایگانی‌های محرمانه خاک می‌خورد. اما رسانه آزاد دقیقاً همان نیرویی است که این چرخه را می‌شکند. رسانه، فساد را از «شایعه» به «برونده» تبدیل می‌کند و جنایت را از «راز خصوصی» به «مسئله‌ای عمومی» می‌کشد. پرسش دردناک‌تر اما برای ما اینجاست که اگر در آمریکا، با همه پیچیدگی‌های قدرت و شبکه‌های نفوذ، رسانه‌ها توانستند چنین پرونده‌ای را به سطح افکار عمومی بیاورند، در ایران ما چه می‌شود؟ تجربه نشان می‌دهد حتی در چنین شرایطی نیز هیچ سیستمی برای همیشه بسته و مصون نمی‌ماند. هرچا که روزنامه‌نگاری حتی محدود و پرهزینه- جرئت طرح پرسش را پیدا کند، هرچا که گزارش تحقیقی را خود را به افکار عمومی باز کند و هرچا که مطالبه شفافیت به یک خواست اجتماعی بدل شود، چرخه فساد ترک برمی‌دارد.

در جامعه‌ای که روزنامه‌نگار از ورود به پرونده‌های فساد هراس دارد و گزارش تحقیقی هزینه‌مند است، این خطر وجود دارد که فساد از یک خطا به یک سیستم تبدیل شود؛ بااین‌حال، حتی در همین فضا نیز آگاهی، پرسشگری و فشار افکار عمومی می‌تواند نقطه آغاز بازگشت شفافیت باشد. واقعیت این است که مهار فساد، بیش از هر چیز به «گردش آزاد اطلاعات» وابسته است. هیچ نهاد نظارتی، هیچ شعار اخلاقی و هیچ بخش‌نامه‌ای نمی‌تواند جای رسانه مستقل را بگیرد. فساد در تاریکی رشد می‌کند و در سکوت تکثیر می‌شود، اما با نور اطلاع‌رسانی، دیر یا زود عقب می‌نشیند.

اگر به رسانه‌های مستقل در ایران آزادی عمل داده شود، اگر خبرنگاران بتوانند بدون ترس از پرونده‌سازی پرسش کنند و اگر اسناد و قراردادهای در معرض دید عموم قرار گیرند، طبیعی است که هزینه فساد افزایش یافته و شبکه‌های رانت کوچک‌تر و آسیب‌پذیرتر شوند.

پرونده اپستین فقط یک رسوایی اخلاقی نیست؛ یک هشدار تمدنی است. این پرونده یادآوری می‌کند جهان مدرن، با همه زررق‌وبرق و پیشرفت‌هایش، همچنان مستعد شکل‌گیری شبکه‌های تارک قدرت و فساد است. در برابر این تاریکی، جامعه فقط یک سلاح مؤثر دارد؛ رسانه آزاد، قانون شفاف و افکار عمومی بیدار. آزادی رسانه، تجمل سیاسی نیست، بلکه شرط امنیت اخلاقی و سلامت عمومی هر جامعه‌ای است.

روان‌خوانی

جامعه‌ای که خبر را می‌بلعد

پگاه‌باکزاد

این روزها جامعه بیشتر از آنکه با کمبود خبر روبه‌رو باشد، با اضافه‌بار روایت دست‌وپیچ نه نرم می‌کند. روایت‌هایی که هرکدام ادعا می‌کنند «حقیقت» را در جیب دارند، اما در نهایت چیزی که باقی می‌ماند، سردرگمی است.

مردم هر صبح با یک نسخه تازه از واقعیت بیدار می‌شوند و شب، با چند احتمال ناتمام می‌خوابند. از نگاه روان‌شناسی اجتماعی، وقتی منبع قابل اتکا کم می‌شود، ذهن جمعی شروع می‌کند به ساختن داستان؛ داستان‌هایی که اغلب تیوترات از خود واقعیت هستند؛ نه از سر بدبینی، بلکه از سر نیاز به پیش‌بینی، چون هیچ چیز برای روان انسان ترسناک‌تر از «ندانستن قدم بعدی» نیست.

در چنین فضایی، احساس یکنی‌بودن آرام‌آرام عقب می‌نشیند. آدم‌ها بدون آنکه تصمیم آگاهانه بگیرند، فاصله می‌گیرند. گفت‌وگوها کوتاه‌تر، اعتمادها شکننده‌تر و جمع‌ها کوچک‌تر می‌شوند. نه چون مردم ناگهان بی‌حوصله شده‌اند، بلکه چون نامنی آدم‌ها را به پانگه‌های شخصی هل می‌دهد.

مسئولیت‌ها هم گاهی شبیه توپ‌هایی هستند که در زمین‌های مختلف پاس داده می‌شوند؛ همه در جریان‌اند، اما کمتر کسی می‌داند چه کسی قرار است آخر بازی پاسخ بدهد.

این تعلیق، جامعه را در وضعیتی نگه می‌دارد که نه می‌تواند سوگواری کند و نه می‌تواند واقعا به زندگی عادی برگردد. نتیجه، روانی است که مدام در حالت آماده‌باش می‌ماند:

ترس، خشم و اضطرابی که هر روز کمی بیشتر جا خوش می‌کند.

کوله‌ای نامرئی که بسر دوش بزرگ و کوچک سنگینی می‌کند و گاهی فقط در تندی یک جمله یا سکوت طولانی یک جمع خودش را نشان می‌دهد.

شاید مسئله اصلی این روزها، نبودن خبر خوب یا بد نباشد؛ نبودن اطمینان است. اطمینانی که اگر نباشد، جامعه یاد می‌گیرد حتی به نفسِ خودش هم با تردید نگاه کند.

روان‌شناسی اجتماعی نسخه فوری نمی‌دهد، اما یک نکته را یادآوری می‌کند: جامعه‌ها وقتی آرام‌تر می‌شوند که واقعیت، پنهان‌کاری نداشته باشد و ابهام، نام خودش را داشته باشد.

و شاید اولین قدم، همین باشد؛ کم‌کردن فاصله بین آنچه مردم زندگی می‌کنند و آنچه قرار است درباره‌اش گفته شود.

خبرخوانی

عیدی امسال مشخص شد

دولت تصمیم گرفت عیدی ۱۴۰۵ کارکنان را به حدود دو برابر پیشنهادی افزایش دهد. با تأکید رئیس‌جمهور و تصویب هیئت دولت، عیدی کارکنان ۱۰ میلیون تومان تصویب شد.

این در حالی است که پیش از این رقم عیدی کارکنان و بازنشستگان براساس پیش‌نویس تصویب‌نامه هیئت وزیران و همچنین توسط دستگاه‌های ذی‌ربط بین ۴.۵ تا ۵.۵ میلیون تومان پیشنهاد شده بود که بر این اقدام ۱.۵ میلیون تومان حق همسر و ۵۰۰ هزار تومان به ازای هر فرزند افزوده می‌شود. با این حساب، عیدی بازنشستگان نیز مانند عیدی کارمندان ۱۰ میلیون تومان خواهد بود. همچنین عیدی کارگران هم براساس قانون کار باید بین ۶۰۰ تا ۹۰۰ روز دستمزد روزانه محاسبه شود، بنابراین حداقل عیدی سال ۱۴۰۵ کارگران حدود ۲۰ میلیون تومان و حداکثر آن حدود ۳۱ میلیون تومان خواهد بود.

زمان دقیق واریز عیدی مشخص نشده، اما معمولاً عیدی بازنشستگان و کارگران در بازه زمانی ۱۵ تا ۲۷ اسفند به حساب مضمولان واریز می‌شود. طبق شنیده‌ها، عیدی کارکنان با حقوق بهمن یا اواسط اسفند واریز می‌شود. همچنین درباره میزان عیدی امسال مددجویان اعلام شده است؛ «جنس عیدی که در سنوات قبل نیز سابقه پرداخت داشته، از جنس مستمری است؛ به‌طور مثال معادل یک ماه مستمری پرداخت می‌شد که تأمین اعتبار انجام می‌گرفت و از سوی سازمان برنامہ و بودجه به دستگاه مربوطه ابلاغ می‌شد. در حال حاضر نیز کم‌اکان تأمین اعتبار همچون از سوی سازمان برنامہ و بودجه صورت می‌گیرد، اما ابلاغ و پرداخت آن از طریق سازمان هدفمندی‌ساز یارانه‌ها انجام می‌شود.»

۶۲ میلیون دلار

سرقت ۶۲ میلیون دلاری ارز دیجیتال با ترند ساده گیپ- پیست اتفاق افتاد. گزارش‌های اخیر بلتفرم امنیتی اسکم اسنایفر نشان می‌دهد فقط دو مورد اشتباه در کی‌بی‌کردن آدرس کیف پول بوده است. این سرقت به دلیل ارسال دارایی به آدرس‌های جعلی که کاربران از تاریخچه تراکنش‌های خود کی‌بی کرده‌بودند، رخ داده است. مهاجمان با ایجاد آدرس‌های مشابه آدرس‌های واقعی و ارسال تراکنش‌های ناچیز، آدرس خود را در فهرست فعالیت‌های اخیر کاربر ثبت می‌کنند.

۲۰۰ میلیون تومان

ایسنا: در بازار داخلی ایران هر گرم طلای ۱۸ عیار، ۱۹میلیون و ۶۰۰ هزار تومان و هر قطعه تمام‌سکه طرح جدید ۲۰۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شد. در بازار داخلی ارز نیز از یکشنبه عقب‌نشینی نرخ دلار متوقف شد و دلار دیروز به کانال ۱۶۰ هزار تومان بازگشت که همین موضوع بر بازار داخلی طلا و سکه در ایران دخیل است. تا ظهر دیروز در بازار طلا، هر مثقال طلای ۱۷ عیار ۸۵ میلیون تومان، هر گرم طلای ۱۸ عیار ۱۹میلیون و ۶۰۰ هزار تومان و هر گرم طلای ۲۴ عیار ۲۶ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده است.

۸۰۰ هزار نفر

فرارو: پس از انتشار یک پیام از سوی هادی چوپان در واکنش به اتفاقات اخیر ایران، صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام با ریزش قابل توجه دنبال‌کنندگان مواجه شد و حالا تعداد فالوئرهای او از ۹ میلیون نفر به حوالی ۸۰۲ میلیون نفر رسیده است. او در فاصله حدود ۱۳۰ساعته پس از انتشار این استوری‌ها، حدود ۸۰۰ هزار فالوئر خود را از دست داده است؛ آماري که واکنش‌های گسترده‌ای را در شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشته و با یک حساب‌وکتاب کوچک می‌توان به عدد شش هزار اتفالو در هر ساعت رسید.